



وکالت تسخیری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی

سیدابراهیم موسوی - هادی صالح - سید مسعود موسوی

مدرس دانشگاه - قاضی دادگستری hamed_mosavi1365@yahoo.com

وکیل پایه یک دادگستری - hadisaleh@yahoo.com

وکیل پایه یک دادگستری - masuodmosavi1364@yahoo.com

چکیده

حق برخورداری از وکیل، یکی از حقوقی است که در نظام دادرسی کشور ایران مورد پذیرش قرار گرفته است. اما در این نوشتار درصدد آنیم به بررسی حق متهم از برخورداری وکیل تسخیری یا تکلیف دادرسی و دادگاه به تعیین وکیل تسخیری در خصوص جرائم مهم و سنگینی که متهم از انتخاب وکیل تعیینی امتناع یا ولی یا سرپرست قانونی طفل یا مجنون از تعیین وکیل خوداری یا متهم به علت عدم تمکن مالی از تعیین وکیل برای خویش استنکاف می‌ورزد. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، قانون گذار در تبصره ۲ ماده ۱۳، تبصره ۲ ماده ۱۹۰، ماده ۳۴۷ و تبصره آن، ماده ۳۴۸ و تبصره های آن، مواد ۳۴۹، ۳۸۴ و ۴۱۵ به صراحت به شرایط، قلمرو و مداخله وکیل تسخیری پرداخته است.

واژگان کلیدی: وکالت تسخیری، آیین دادرسی کیفری

مقدمه

امروز، یکی از شرایط ایجاد دادرسی عادلانه را برخورداری متهم از حق داشتن وکیل می‌دانند. زیرا در شرایطی که وجدان عمومی اجتماع از ارتکاب جرم آسیب دیده و جریحه دار شده و احساسات و افکار عمومی از دستگاه عدالت مجازات شدید و فوری متهم را خواستارند و در جریان دادرسی که یک طرف آن دادستان با نظام مجهز دادرسی و مقامات و ضابطین آن قرار دارد و طرف مقابل متهمی با حداقل امکانات و تواناییها و اختیارات؛ لذا این فرد در صورت نبود وکیل تنها می‌ماند و دادستان با اشراف کامل به اصول و مقررات حقوقی و با توجه به امکانات قضایی نسبت به متهم در موقعیت کاملاً متفاوت و برتری قرار می‌گیرد، تنها کسی که در این شرایط نابرابر حقوق متهم را بیان و از آن حمایت کرده و اصول جزایی از جمله تفسیر مضیق و قاعده تساوی سلاح‌ها را اعتبار و تحقق می‌بخشد، نه از آن جهت که همواره بی‌گناهی متهم را اثبات کند، بلکه از حقوق قانونی اش دفاع کند، وکیل است. بنابراین، از جمله حقوق اولیه و اساسی هر فرد حق داشتن وکیل است. همان‌طور که در اصل ۳۵ قانون اساسی آمده: «در همه دادگاه‌ها طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای همه آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد». قسمت اخیر اصل مذکور در خصوص استفاده از این حق برای کسانی است که توانایی تعیین وکیل را ندارند و در آن تصریح شده است که باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.

۱- مفهوم، مبانی و ماهیت وکالت تسخیری^۱

۱-۱- مفهوم وکالت تسخیری^۲

۱-۱-۱- مفهوم لغوی

به معنای کسی را به کاری واداشتن بدون مزد آمده است. وکالت تسخیری در واقع، موارد الزامی بودن داشتن وکالت دادگستری در دعاوی کیفری است.

۱-۱-۲- مفهوم اصطلاحی

وکالتی است که از طرف دادگاه در امور کیفری برای دفاع از متهم به وکلای دادگستری ارجاع می‌شود. وکیل تسخیری دارای تمام اختیارات وکیل قراردادی است. حتی اگر متهم خودش وکیل یا دانش‌آموخته حقوق باشد، در صورت عدم معرفی وکیل، نصب وکیل تسخیری در موارد مصرح قانون آیین دادرسی کیفری الزامی است.

۱-۲- مبانی وکالت تسخیری

^۱ Court appointed

^۲ - در مقابل وکیل تسخیری، وکیل تعیینی قرار دارد. در این وکالت موکل با مراجعه به وکیل دادگستری و بر مبنای اراده و اختیار نسبت به انعقاد قرارداد با وی اقدام می‌نماید.

۱-۲-۱- عدالت^۱

عدالت مفهومی است با تعبیرهای گوناگون، اما می‌توان در تحلیل جامعه شناختی، وجدان عمومی را ملاک عدالت کلی دانست. تمامی افراد چه متهم و چه شاکی دوست دارند که عدالت در موردشان اجرا شود و عدالت از ملزومات دستگاه قضایی است. این دستگاه به قضات مثل دادستان، دادیار، دادرس که همه در یک کلام قضات تحصیل کرده هستند، مجهز است و آن‌ها به نمایندگی از طرف قدرت عمومی افراد را تعقیب و سرانجام آن‌ها را محکوم یا تبرئه می‌نماید. بنابراین، به خاطر این که دو طرف کفه ترازوی یکسان باشد لازم است تا افرادی این طرف کفه ترازو، به منظور دفاع و راهنمایی از افراد حاضر باشند. عدم رعایت حق مزبور مستلزم نفی تعادل میان طرفین دعوی و عدم اجرای صحیح عدالت در جامعه است. امروزه در بحث عدالت کیفری خواه در حقوق داخلی و خواه در حقوق بین‌المللی باید به حمایت‌ها و تضمینات حقوق بشر توجه کرد. از جمله این حمایت‌ها و تضمینات حق تعیین وکیل تسخیری برای متهم معسر و ناتوان در پرداخت حق الوکاله و... است. بنابراین، اگر ما ملاک عدالت را وجدان عمومی، انصاف، محاکمه عادلانه و... بدانیم. آیا وجدان عمومی و انصاف اجازه محاکمه متهمی که توان پرداخت حق الوکاله ندارد یا جرائم سنگین و شدید از تعیین وکیل به هر علت خودداری می‌نماید، را می‌دهد؟

پس، می‌توان گفت عدالت و وجدان عمومی حکم می‌کند متهمی که توان پرداخت حق الوکاله را ندارد یا درخصوص طفل یا مجنون که ولی یا سرپرست قانونی آن‌ها از تعیین وکیل به هر علت برای آنها امتناع می‌نماید و در جریان دادرسی نیز که یک طرف آن دادستان با نظام مجهز دادرسی و مقامات و ضابطین و دادرس قرار دارد، برای وی وکیل تسخیری تعیین نمود. در واقع عدم تمکن مالی نباید مبنایی برای محرومیت متهم از حق برخورداری از وکیل و به تبع آن دادرسی منصفانه و مبتنی بر تساوی سلاح‌ها باشد.

۱-۲-۲- تأمین منافع فردی و اجتماعی

عدم آشنایی کافی شهروندان جامعه از مقررات و به تبع آن، عدم توانایی کافی آنان برای دفاع از خود، ضرورت حضور وکیل دادگستری را توجیه می‌کند. مداخله وکیل دادگستری برای دفاع از حقوق اصحاب دعوا نه تنها در راستای دفاع از حقوق فردی اصحاب دعوا تلقی می‌شود، بلکه گامی در راستای دفاع از منافع جامعه از طریق فرآیند دادرسی مبتنی بر نظم و انضباط است. حضور وکیل دادگستری در فرآیند دادرسی سبب کاسته شدن از اشتباهات قضایی و افزایش دسترسی به عدالت می‌شود. البته وکیل تسخیری باید برای انجام دفاع موثر از توانایی‌های لازم برخوردار باشد. در همین راستا تأسیس مواد ۳۸۷ و ۳۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری، در راستای تکلیف وکیل تعیینی و تسخیری در مهلت ده روز مقرر، برای مطالعه پرونده و طرح ایرادات و اعترافات قانونی را می‌توان، تمهیدی مهم و مؤثر در استفاده از این نهاد و نشان دادن و نزدیک کردن وکالت تسخیری به جایگاه حقیقی خود در دفاع از متهم و تبدیل آن از امر تشریفاتی و صوری به عنصر حیاتی در دفاع و دادرسی دانست.

۱-۳- ماهیت نهاد وکالت تسخیری

در وکالت تسخیری اصولاً ارتباطی میان وکیل تسخیری و موکل وجود ندارد و تعیین وکیل تسخیری از باب لزوم رعایت مقررات شکلی مربوط به رسیدگی به جرائم موضوع ماده مرقوم و حمایت از حق دفاع متهم است. به عبارتی می‌توان گفت لغت وکالت در این جا در معنای حقیقی خود استعمال نشده است. چرا که عقد وکالت حاصل تلاقی قصد و رضای طرفین است، حال آن که اساساً در وکالت تسخیری نظر و اراده موکل لحاظ نشده و تأثیری در تحقیق این تأسیس ندارد. حتی برغم مخالفت و مقاومت متهم برای داشتن وکیل، دادگاه مکلف به تعیین وکیل تسخیری است. هم چنین در تقویت این نظر و توجهاً به مفهوم ماده ۴۰۶ همین قانون اشاره می‌شود. که یکی از جهات حضوری تلقی شدن رأی محکمه، حضور وکیل در جلسه دادرسی (حتی در یک جلسه) است، در حالیکه این امر مختص، حضور وکیل تعیینی است و چنان چه در پرونده‌ای که مجازاتش یکی از امور مذکور در ماده ۳۰۲ است و متهم از ابتدا فراری است و محکمه وکیل تسخیری تعیین نموده، با توجه به عدم حضور متهم در دادرسی و نبود اراده در تعیین وکیل از سوی وی، رأی غیابی خواهد بود. اما اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه مشورتی شماره: ۷/۴۸۵۳ - ۱۳۸۰/۵/۱۶ مقرر داشته: «چون بر اساس تبصره «۲» ماده (۱۸۶) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، بایستی برای قاتل فراری وکیل تسخیری تعیین شود و چون وکیل در جلسات محاکمه شرکت نمی‌کند، اتخاذ تصمیم نسبت به چنین شخصی فاقد منع قانونی است و با شرکت وکیل در جلسات دادرسی حکم صادر شده حضوری محسوب می‌شود نه غیابی.»^۲

^۱justice

^۲ ابوالفضل سلیمان، ۱۳۹۲، حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر و حقوق ایران، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره پنجم، ص ۵۰.

^۳ سید محمد هاشمی، [پی‌تا]، حمایت‌ها و تضمینات حقوق بشر در حقوق داخلی و نظام بین‌المللی، ش ۳۸، ص ۱۱.

^۴ همان، ص ۶۵

^۵ محمد آشوری، ۱۳۸۶، عدالت کیفری، انتشارات گنج دانش، ص ۱۴۳.

۲- شرایط نصب وکیل تسخیری در قانون آیین دادرسی کیفری

قانون گذار ایران رویکرد جدیدی را نسبت به شرایط نصب وکیل تسخیری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برگزیده است؛ چرا که نسبت به مرتکبین فاقد مسئولیت کیفری با مرتکبین واجد مسئولیت کیفری به یک دیدگاه رفتار ننموده است. مضاعف بر این، نسبت به مرتکبین واجد مسئولیت کیفری نیز با توجه به مجازات جرائم ارتكابی از سوی آن‌ها دیدگاه یکسانی ندارد. بنابراین، در این گفتار، شرایط نصب (تعیین) وکیل تسخیری نسبت به مرتکبین فاقد مسئولیت کیفری اعم از مجنون و طفل و مرتکبین واجد مسئولیت کیفری اعم از جرائم خاص (سنگین) و سبک خواهیم پرداخت.

۱-۲- شرایط نصب وکیل تسخیری نسبت به مرتکبین فاقد مسئولیت کیفری^۱

قانون گذار به صراحت در تبصره ۲ ماده ۱۳ و ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری به ترتیب در خصوص مجنون و طفل این مهم را مورد پیش بینی قرار داده است. حال به طور جداگانه به شرایط نصب وکیل تسخیری، در خصوص مجنون و طفل خواهیم پرداخت.

۱-۱-۲- الف: مجنون

تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افافه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه ادله ی اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افافه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.»

با توجه به ماده مذکور شرایط ذیل جهت تعیین وکیل تسخیری مجنون لازم است:

۱-۱-۱-۲- مجنون بودن مرتکب در حین تعقیب و رسیدگی

این شرط به صراحت در صدر تبصره مورد پیش بینی قرار گرفته است؛ چرا که مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افافه تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود...»

حال مجنون به چه کسانی گفته می‌شود؟ کلمه جنون از ماده جن می‌آید و جن نیز به معنای مستور و پوشیده است. از لحاظ معنای لغوی مجنون به کسی گفته می‌شود که عقلش پوشیده است. اما از لحاظ اصطلاح حقوقی باید به ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی رجوع کرد. این ماده مقرر داشته: هرگاه مرتکب در زمان ارتكاب جرم دچار اختلال روانی بوده، به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد، مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد.

نکته ی قابل بیان در این خصوص این است که غالباً وکیل جهت اطلاع از مفاد و محتوای پرونده با موکل خود مشورت می‌نماید؛ اما در این مورد موکل فاقد اراده و دچار اختلال روانی است، لذا توانایی بیان جزئیات پرونده را ندارد. بنابراین، وکیل فقط با اتکا بر داده های پرونده به دفاع از موکل خویش می‌پردازد. البته این ایراد در بسیاری از مواردی که وکیل تسخیری به دفاع از موکل خویش می‌پردازد، قابل طرح است.^۲

۲-۱-۱-۲- ارتكاب جرم

در تبصره موصوف در خصوص این که مجنون باید مرتکب چه جرم یا جرایمی گردد تا بتوان برای وی وکیل تسخیری تعیین نمود، به صراحت اشاره شده است. در قسمت اخیر تبصره مذکور پیش بینی گردیده، صرف نظر جرم ارتكابی و میزان برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود. بنابراین، قانون گذار کلیه جرائم اعم از جرائم خفیف و شدید، عمدی و غیرعمدی را مشمول این تبصره قرار داده است.

سؤال قابل طرح این است که تعیین وکیل تسخیری برای مجنون در دادسرا یا دادگاه الزامی است؟ با توجه بر این که قانون گذار درصدد ماده بیان داشته «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افافه تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود». هم چنین در قسمت اخیر تبصره مقرر داشته: «در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد». لذا با لحاظ قراردادن این نکته که «تعقیب» از وظایف مرحله تحقیقات مقدماتی و دادسرا است و

^۱ - ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق می‌شود که فرد حین ارتكاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد...».

^۲ - دکتر محمود آخوندی در انتقاد از این تبصره بیان داشته اند: طبق این تبصره متهم مجنون را محاکمه می‌کنیم با این استدلال که اگر سالم بود نمی‌توانست از خود دفاع کند. این قصاص قبل از جنایت است. تا زمانی که اتهام تفهیم نشده که نمی‌توان دلایل را ارزیابی کرد، این اندیشه من قاضی است که می‌گویم اگر متهم در حالت افافه بود هم نمی‌توانست از خود دفاع کند. وی تصریح کرده، آلان قرن هاست که محاکمه مجانین ممنوع است. یعنی ۳۰۰ سال از ممنوعیت محاکمه مجانین می‌گذرد آن وقت ما در دنیای امروزی و در کشوری مثل ایران اجازه می‌دهیم مجنون را آن هم با انتخاب وکیل محاکمه کنند، در حالی که ما حق نداریم برای مجنون وکیل انتخاب کنیم؛ بلکه باید برای او قیم انتخاب کنیم و این از بدیهیات است.

به نظر می‌رسد کاربرد این کلمه در این تبصره اعم از تحقیق و تعقیب است. بنابراین، تعیین وکیل تسخیری برای مجنون در مرحله دادسرا الزامی است. در مرحله دادگاه نیز که صراحتاً مورد پیش‌بینی قانون‌گذار قرار گرفته است؛ چرا که ذکر کلمه «دادرسی» به این مرحله بر می‌گردد.

۳-۱-۱-۲-عدم معرفی وکیل تعیینی از سوی ولی یا قیم

یکی دیگر از شرایط تعیین وکیل تسخیری برای مجنون، عدم معرفی وکیل تعیینی از سوی ولی یا قیم می‌باشد. قانون‌گذار در تبصره مذکور مقرر داشته «... به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید و در صورت عدم معرفی... برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود...»

بنابراین، با توجه به مفاد این تبصره در صورتی که ولی یا قیم از تعیین وکیل برای مولی علیه خویش خودداری نمایند، دادسرا و دادگاه حسب مورد نسبت به تعیین وکیل تسخیری اقدام می‌نماید.

۲-۱-۲-ب: طفل^۱

ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص معروض داشته: «در جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند، در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند از خود دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند.»

با توجه به ماده مذکور شرایط ذیل جهت تعیین وکیل تسخیری طفل لازم است.

۱-۲-۱-۲- طفل بودن^۲

این شرط به صراحت در قسمت اخیر ماده مذکور مورد پیش‌بینی قانون‌گذار قرار گرفته؛ چرا که بیان می‌دارد: «... دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند.» با توجه بر این که صلاحیت دادسرا و دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی به جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان می‌باشد. لذا پیش‌بینی تعیین وکیل تسخیری در این ماده در خصوص اطفال و نوجوانان است. تعیین وکیل تسخیری برای اطفال نیز در ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ مورد پیش‌بینی قرار گرفته بود و حتی دامن‌ه حضور و مداخله وکیل تسخیری در قانون سابق نسبت به قانون جدید وسیع‌تر بوده؛ چرا که در قانون سابق جرایم و مجازات‌های خاصی را احصا نکرده بود. ماده مذکور اذعان می‌داشت: «در هنگام رسیدگی به جرائم اطفال...» کلمه جرائم در این ماده اطلاق دارد و کلیه جرائم را در بر می‌گرفت. ولی در قانون جدید، الزام دادسرا و دادگاه‌ها به تعیین وکیل تسخیری برای اطفال و نوجوانان در خصوص جرائم یا مجازات‌های خاصی است.

نکته‌ی دیگری که قابل بیان است که در قانون سابق فقط دادگاه‌ها الزام به تعیین وکیل تسخیری برای طفل داشتند. در قانون جدید نیز به استناد تبصره ۱ ماده ۲۸۵، تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را طبق قانون بر عهده ضابطین دادگستری و دادسرا است، انجام می‌دهد. بنابراین، در این قانون نیز فقط دادگاه‌ها الزام به تعیین وکیل تسخیری برای طفل را دارند؛ چرا که در خصوص این اشخاص پرونده مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود و تحقیقات مقدماتی در دادسرا انجام نمی‌گیرد.

قانون‌گذار در قانون جدید در کنار اطفال، نوجوانان را نیز افزوده است و شرایط مشابهی را برای تعیین وکیل تسخیری این طیف از مرتکبین با اطفال پیش‌بینی کرده است. اما در قانون سابق دادگاه‌ها فقط برای اطفال الزام به تعیین وکیل تسخیری داشتند. نوجوانان به استناد مواد ۸۸ و ۸۹ و ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال شمسی هستند. لذا در ذیل این گفتار قرار نمی‌گیرد؛ چرا که این اشخاص، مرتکبین واجد مسئولیت کیفری هستند.

۲-۱-۲-۲- ارتکاب جرم

۱ - تبصره ۱ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال قمری است.

۲ - ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند.

۳ - ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.

۴ - این قانون به موجب ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نسخ گردیده است.

در ماده مذکور قانون گذار جرائمی یا مجازات‌های خاصی را برای تعیین وکیل تسخیری اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نموده است.

۱-۲-۲-۲-جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است.

جهت تعیین این جرائم باید به ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک رجوع نمود؛ چرا که ماده مذکور جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ را مورد احصا قرار داده است. این ماده مقرر می‌دارد: «جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود: الف) جرائم موجب مجازات سلب حیات. ب) جرائم موجب حبس ابد. پ) جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن ت) جرائم موجب مجازات تعزیری درجه ۳ و بالاتر. ث) جرائم سیاسی و مطبوعاتی.

۲-۲-۱-۲-جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارزش بیش از خمس دیه کامل است.

با توجه بر این بند، به نظر می‌رسد قسمت اخیر بند پ ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص کارایی ندارد.

۳-۲-۱-۲-جرائمی تعزیری درجه شش و بالاتر

با توجه بر این بند، به نظر می‌رسد بند ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص کارایی ندارد.

نکته: در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید.

۳-۲-۱-۲-عدم تعیین وکیل از سوی ولی یا سرپرست قانونی متهم^۱

یکی دیگر از شرایط تعیین وکیل تسخیری برای اطفال و نوجوانان عدم تعیین وکیل از سوی ولی یا سرپرست قانونی متهم است. چرا که این ماده مقرر می‌دارد: «... دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند در صورت عدم تعیین وکیل... برای متهم وکیل تعیین می‌شود.

۴-۲-۱-۲-عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه

این شرط بدین معناست که ولی یا سرپرست قانونی متهم برای طفل مبادرت به تعیین وکیل نموده، ولی وکیل تعیینی بدون اعلام عذر موجه از حضور در جلسه دادرسی خودداری می‌نماید که در این صورت مراجع قضایی نسبت به تعیین وکیل تسخیری اقدام می‌نمایند.

۲-۲-شرایط نصب وکیل تسخیری نسبت به مرتکبین واجد مسئولیت کیفری

این بند را در طی دو قسم که قسم اول آن به شرایط نصب وکیل تسخیری بنا به درخواست متهم و قسم دوم آن به شرایط نصب وکیل تسخیری که نیازمند درخواست متهم نیست و هر یک از این دو قسم را در مرحله دادسرا و دادگاه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲-۲-شرایط نصب وکیل تسخیری که نیازمند درخواست متهم است:

این مورد در ماده ۳۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیل برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیک‌ترین حوزه قضایی، برای متهم وکیل تعیین می‌نماید. در صورتی که وکیل درخواست حق الوکاله کند، دادگاه حق الوکاله او را متناسب با اقدامات انجام شده، تعیین می‌کند...».

حال با توجه به ماده مذکور به شرایط لازم جهت تعیین وکیل تسخیری در صورتی که متهم درخواست نماید، در دادسرا و دادگاه می‌پردازیم:

۱-۲-۲-۱-دادسرا

با نگاه اجمالی به ماده مذکور پی خواهیم برد، تعیین وکیل تسخیری در دادسرا در صورتی که متهم تقاضای تعیین وکیل تسخیری نماید، امکان پذیر نیست، چرا که ماده مذکور اذعان داشته متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضای کند، وکیل برای او تعیین شود. یا این که اذعان داشته «دادگاه در صورت احراز عدم تمکن متقاضی...» و در این ماده ذکری از دادسرا نگردیده است. مگر این که مجازات جرم ارتكابی سلب حیات و حبس ابد باشد که در این مجازات‌ها حتی اگر متهم درخواست نموده، وکیل تعیینی هم برای خود انتخاب ننموده باشد، دادسرا ملزم به تعیین وکیل تسخیری است.^۲

۲-۲-۱-۲-دادگاه

برابر ماده ۳۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری شرایط ذیل جهت تقاضای نصب وکیل تسخیری در دادگاه لازم است:

^۱ - در ماده ۱۱ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار (۱۳۳۸ خورشیدی)، نیز این شرط مورد پیش‌بینی قرار گرفته بود. این ماده مقرر می‌داشت: دادگاه در صورتی که اتهام کودکان از درجه جنایت بود، به سرپرست قانونی آنان اعلام می‌کرد که وکیل برای کودکان تعیین نموده یا شخصا برای دفاع در دادگاه حاضر شود. هرگاه سرپرست اقدام به تعیین وکیل نمی‌کرد و شخصا نیز در دادگاه حاضر نمی‌شد، چنان چه دادگاه مداخله وکیل را ضروری تشخیص می‌داد، وکیل تسخیری برای آنان تعیین می‌کرد. رجوع شود به همان، ص ۹۵.

^۲ - رجوع شود به تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، در این خصوص به تفصیل در مباحث آتی بحث خواهیم کرد.

۱-۲-۲-۲- تقاضای متهم

با توجه بر این که قانون گذار در این ماده جرائم یا مجازات های خاصی را مدنظر قرار نداده است. لذا متهم می تواند در کلیه جرائم تقاضای وکیل تسخیری را نماید. در همین رابطه ماده موصوف مقرر می دارد: «متهم می تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیل برای او تعیین شود.»

حال سؤال قابل طرح این است آیا قربانی یا بزه دیده نیز می تواند تقاضای وکیل تسخیری از دادگاه برای خویش نماید؟ تبصره ماده ۳۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای تشخیص بزه دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند، طبق مفاد این ماده اقدام می کند.»

بنابراین، درخصوص بزه دیده یا قربانی جرم حتی در صورت عدم تقاضای ایشان، ولی با تشخیص دادگاه مبنی ضروری بودن حضور وکیل و عدم تمکن مالی بزدیده، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیک ترین حوزه قضایی، برای بزه دیده وکیل تعیین می شود.

۱-۲-۲-۲- عدم تمکن مالی متهم

متهم باید توانایی پرداخت حق الوکاله را نداشته باشد. احراز عدم تمکن مالی متهم نیز با دادگاه رسیدگی کننده به آن پرونده می باشد. بدین منظور دادگاه در صورت احراز عدم تمکن مالی متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیک ترین حوزه قضایی، برای متهم وکیل تعیین می نماید.^۱

۱-۲-۲-۲- شرایط نصب وکیل تسخیری که نیازمند درخواست متهم نیست:

این مورد در تبصره ۲ ماده ۱۹۰ و در مواد ۳۴۸ و تبصره های آن و ۳۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری مورد تصریح قانون گذار قرار گرفته است. با توجه به مواد موصوف این شرایط را در دادسرا و دادگاه مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم. البته تعیین وکیل تسخیری در این موارد منوط به تقاضای متهم یا عدم توانایی مالی اش برای استخدام و تعیین وکیل نیست.

۱-۲-۲-۲- دادسرا

تا قبل از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در دادسرا تأسیسی به نام وکیل تسخیری نداشتیم. دامنه حضور و مداخله وکیل تسخیری فقط منحصر به دادگاه بود. اما تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون مذکور به صراحت الزام بازپرس را به حضور وکیل تسخیری با شرایط ذیل پیش بینی نموده است.

۱-۲-۲-۲- ارتکاب جرم

قانون گذار در این تبصره داشتن وکیل در جرائم مستوجب مجازات سلب حیات یا حبس ابد لازم دانسته است.

۱-۲-۲-۲-۲- عدم معرفی وکیل تعیینی از سوی متهم

در صورتیکه متهم در جرائم مستوجب مجازات سلب حیات یا حبس ابد از معرفی وکیل امتناع نماید، بازپرس ملزم به تعیین وکیل تسخیری برای متهم است.

۱-۲-۲-۲-۳- دادگاه

دامنه و حوزه مداخله وکیل تسخیری قبلاً به موجب تبصره ۱ ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ محدود به جرایمی که ضمانت اجرای آن قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد بود. با تصویب و اجرائی شدن قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و پیش بینی ماده ۳۴۸ و تبصره های آن و ماده ۳۸۴ دامنه آن وسیع تر گردیده و جرایم و مجازات های دیگری نیز به آن اضافه گردیده است. حال با توجه به مواد فوق الذکر، دادگاه ها با شرایط ذیل مکلف به تعیین وکیل تسخیری می باشند.

۱-۲-۲-۳-۱- جرایم ارتكابی

قانون گذار در مواد ۳۴۸ و ۳۸۴ داشتن وکیل در جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری را ضروری دانسته به نحوی که اذعان داشته جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل تشکیل نمی شود. با رجوع به ماده ۳۰۲ این قانون در جرائم ذیل تعیین وکیل الزامی است.

الف) در جرایم موجب مجازات سلب حیات.

^۱ - ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد.....

^۲ - برای نخستین بار قانونگذار ایران هنگام بازنگری قانون اصول محاکمات جزایی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی این حق (وکیل تسخیری) را وارد پهنه این مقررات کرد. بر اساس ماده ۳۰۹ قانون مزبور «متهمان حق داشتند که در صورت نداشتن توانایی مالی از وکیل رایگان در مرحله دادرسی استفاده کنند». رجوع شود به جلیل امیدی و محمد آشوری، ۱۳۸۳، حقوق دفاعی متهم، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، ص ۲۳۳.



ب) جرائم موجب حبس ابد.

پ) جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف ديه کامل یا بیش از آن.

ت) جرائم موجب مجازات تعزیری درجه ۳ و بالاتر.

توسعه موارد تعیین وکیل تسخیری برای متهم در موارد مشمول و موضوع بند پ و خصوصاً بند «ت» را می‌توان از تغییرات کیفی قانون جدید دانست.

۲-۳-۲-۲- عدم معرفی وکیل تعیینی از سوی متهم

این شرط به صراحت در مواد ۳۴۸ و ۳۸۴ قانون آیین دادرسی مورد پیش بینی قرار گرفته است، چرا که ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «...چنان چه متهم خود وکیل معرفی نکند... تعیین وکیل تسخیری الزامی است...» یا ماده ۳۸۴ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «... چنان چه متهم وکیل خود را معرفی نکند... طبق مقررات برای متهم وکیل تسخیری تعیین می‌شود.» در بند «د» ماده ۲ قواعد دادرسی دادگاه نورنبرگ این شرط پیش بینی شده است. حق در صورتی که متهمی از درخواست وکیل خاصی خودداری کند یا وکیل تعیین شده ظرف ۱۰ روز یافت نشده یا در دسترس نباشد دادگاه برای او وکیل تعیین خواهد کرد، مگر آن که متهم به صورت کتبی اعلام کند که از حق برخورداری از وکیل انصراف داده است.

۲-۳-۲-۳- عدم حضور وکیل تعیینی متهم در جلسه دادرسی بدون عذر موجه

این شرط به این معناست که متهم مبادرت به تعیین وکیل برای خویش می‌نماید ولی وکیل تعیینی وی بدون عذر از حضور در جلسه دادرسی خودداری می‌نماید که در این صورت دادگاه موظف به تعیین وکیل تسخیری برای متهم است. بنابراین، در دادگاه‌ها برای رسیدگی به جرایم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک. (یعنی همه جرایم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری یک به جز جرایم سیاسی و مطبوعاتی)، حضور وکیل متهم لازم است و بدون حضور او جلسه تشکیل نمی‌شود. معنای این عبارت این است که اگر متهم، خودش وکیل معرفی نکند یا قبلاً معرفی کرده، ولی وکیل مزبور در جلسه دادگاه حاضر نشود، باید از سوی دادگاه برای او وکیل تسخیری تعیین گردد. علاوه بر این، هر چند که اصولاً اگر متهم برای دفاع از خود وکیل به دادگاه معرفی کرده باشد، می‌تواند (جز در صورت الزام از سوی دادگاه)، در جلسه حاضر نشود و دفاع را به وکیل خود بسپارد، اما از ماده ۳۵۰ ق.آ.د.ک. پیداست که در جرایم یاد شده، هم متهم و هم وکیل او باید در دادگاه حاضر شوند و عدم حضور متهم در جلسه دادگاه (با وجود حضور وکیل تعیینی یا تسخیری) مانع از رسیدگی است. در صورت عدم حضور وکیل متهم بدون عذر موجه، دادگاه می‌تواند ضمن عزل او وکیل دیگری تعیین نماید.^۱

نتیجه گیری

وکالت تسخیری، وکالتی است که از طرف مراجع کیفری برای اصحاب دعوی جزائی بویژه متهمین تأمین می‌شود. فلسفه ی الزامی بودن حضور وکیل در جرائم سنگین، علاوه بر تضمین اجرای اصل ۳۵ و ۳۷ قانون اساسی و تمهید امکانات برای برخورداری از این حق، اعتبار بخشیدن به دادرسی عادلانه می‌باشد. این نوع وکالت، سرمایه گذاری جامعه برای تحقق آرمان های آزادی و عدالت است. لذا، صرفاً نباید در حد یک فعالیت خیرخواهانه یا نوعی صدقه تنزل داده شود و نباید پنداشته شود که با تأمین وکالت تسخیری، به شهروندان فقیر یا کسانی که قادر به تأمین وکالت به انتخاب و هزینه خود نیستند، لطف می‌کنیم، بلکه حقیقت این است که برخورداری از مساعدت وکیل، یکی از حقوق مسلم هر متهم و بلکه تمامی اصحاب دعوی جزائی است. بنابراین، دولت ها و جامعه مدنی در هر کشوری، موظف هستند در هر موردی که اجرای صحیح عدالت ایجاب نماید، امکان برخورداری از خدمات وکلای متخصص را برای افرادی که با دستگاه عدالت کیفری سر و کار دارند فراهم آورند.

فهرست منابع

- ۱- آشوری، محمد، عدالت کیفری، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶.
- ۲- امیدی، جلیل و آشوری، محمد، حقوق دفاعی متهم، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت ۱۳۸۳.
- ۳- سلیمان، ابوالفضل، حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر و حقوق ایران، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره پنجم، ۱۳۹۲.
- ۴- رستمی غازانی، امید، حق برخورداری از وکیل در محاکمات کیفری بین المللی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۳، ۱۳۹۲.
- ۵- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، جلد دوم، ۱۳۹۴.
- ۶- فضائلی، مصطفی، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۷- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۱- علی خالقی، ۱۳۹۴، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، جلد دوم، ص ۱۲۵.



- ۸- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.
- ۹- نیاز پور، امیرحسین، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری؛ جلوه‌ای از حقوق شهروندی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۵، ۱۳۸۶.
- ۱۰- هاشمی، سید محمد، [بی‌تا]، حمایت‌ها و تضمینات حقوق بشر در حقوق داخلی و نظام بین‌المللی، شماره ۳۸.
- ۱۱- <http://qazahrm.ir/Default.aspx?tabid=584>
- ۱۲- www.Humanrights.aspx?id=16685